irannewspaper.ir

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۴۴
• اذان ظهر ۱۱/۵۵ • اذان مغرب ۱۸/۱۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۴ • اذان صبح فردا ۰۴/۳۳ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۵۷

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
هیچ زیوری چون آداب نیست.

غررالحکم، ج ٦، ص ٣٥١، ح ١٠٤٦٦

وداع با استاد احمد پژمان از تالار وحدت تا شیراز

پرواز جاودانه خالق موسیقی «خانه ای روی آب»

همه آمده بودند؛ از دوستان و یاران قدیمی تا عاشقانی که سال‌ها با آثار ماندگار احمد پژمان زیسته‌اند. تالار وحدت صبح جمعه ۴ مهرماه، مملو از جمعیتی بود که برای آخرین دیدار و وداع با احمد پژمان، دور هم جمع شده بودند. علی اکبر شکارچی، مجید انتظامی، اردشیر کامکار، هوشنگ کامکار، پشنگ کامکار، فاطمه مهاجرانی، بهمن فرمان‌آرا، حسین علیزاده، ستار اورکی، منوچهر شاهسواری، علی بوستان، مانی جعفرزاده، بابک رضایی، اسحاق شکری، حمیدرضا دیبازر، سوسن اصلانی، محمدرضا درویشی، کیهان کلهر، ارسلان کامکار، محمد اله‌یاری و... در آیین تشییع زنده‌یاد احمد پژمان حضور داشتند.

عکس: عکس رضا معطران- ایران

هوشنگ کامکار از شاگردان برجسته این هنرمند، در این مراسم بیان کرد:«کارهایی که استاد پژمان انجام داده دربرگیرنده مؤلفه‌های متعددی است که تا ابد در دل هنرمندان و علاقه‌مندان موسیقی باقی می‌ماند. او آثار ارجمندی دارد که من از کردستان تا تهران پیگیر کارهایش بودم.»

او به دوران آشنایی خود با استادش اشاره کرد و افزود:«من و احمد پژمان چندین سال با هم دوست بودیم. روزی رفتم وی را ببینم که دیدم دستگاه‌های بزرگی گذاشته بود؛ از او پرسیدم، گفت اینها سینتی سایزر است، گفتم چه کاربردی دارد، کاری کرد که از این هنرنمایی‌اش حیرت‌زده شدم. وقتی هم گفتم دوباره بشنوم، گفت پاک کردم. اینها ویژگی‌هایی است که نشأت گرفته از خلاقیت و آشنایی‌اش با علم موسیقی کلاسیک است. او با همه موسیقی‌ها آشنایی داشت و در عین انسانیت و بزرگی نقش بسیار مهمی در موسیقی ایفا کرد. زمانی هم که در آمریکا برای او بزرگداشت گرفتند، شنیدم با چه عظمتی این رویداد برگزار شده است. می‌دانم شما ایرانیان عزیز هم از مرگ احمد پژمان ناراحت هستید، چون وقتی من خبر را شنیدم، در بیمارستان بستری شدم. به هر حال کارهای خوب یا بد یک هنرمند بعد از مرگش در دنیا خواهد ماند و اگر کار خوبی انجام داده باشد، پروازش جاودانه باقی می‌ماند، همان‌طور که احمد پژمان تا ابد برای ما جاودانه خواهد شد.»

> بهمن فرمان‌آرا: حدود دو ماه پیش که به لس‌آنجلس رفته بودم، به احمد زنگ زدم و به ملاقاتش رفتم. گرچه حال خوبی نداشت اما بازهم او را هنرمند توانمندی دیدم که همچنان توانایی‌اش آشکار بود

محمدرضا درویشی، موسیقیدان، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی نواحی هم در ادامه این مراسم تشییع گفت:«حدود پنجاه سال پیش که دانشجوی سال اول دانشکده هنرهای زیبا بودم و آقای هوشنگ کامکار هم سال چهارم همین مجموعه بود، ما درسی با مرحوم داریوش صفوت به نام «آشنایی با موسیقی ایرانی» داشتیم. در آن زمان مرحوم صفوت گفت:«طراوت برون می‌نماید از سر درون»؛ در عرصه هنر طراوت برون چه هست؟ به نظر من آثار فرهنگی و هنری ارزشمند و آن سر درون هم باطن هنرمند است که اگر نباشد، آثار درجه یک بیرون نمی‌آید و مرحوم احمد پژمان دربرگیرنده چنین ویژگی‌های ارزشمندی بود.»

بهمن فرمان‌آرا، کارگردان پیشکسوت سینمای ایران هم با بیان خاطراتی از همکاری با مرحوم پژمان گفت:«ارتباط من با احمد از سر فیلم «شازده احتجاب» شروع شد. وقتی به خانه او رفتم به من گفت تا حالا موزیک برای فیلم نساخته و من به او گفتم چه می‌خواهم و چه سازهایی را نمی‌خواهم. بنابراین آهنگسازی فیلم را قبول کرد.»

اوافزود:«وقتی توضیح دادم چه سازهایی را برای این فیلم می‌خواهم و نمی‌خواهم، فیلم را دو بار دید و بعد از یک ماه آمد و گفت آهنگ فیلم را ساخته است. ما در یکی از بخش‌های رادیو جمع شده بودیم و علی رهبری هم پذیرفته بود که اجرای اثر را به عهده داشته باشد. کار انجام شد و من بسیار همکاری خوبی با احمد داشتم.»

فرمان‌آرا ادامه داد:«حدود دو ماه پیش که به لس‌آنجلس رفته بودم، به احمد زنگ زدم و به ملاقاتش رفتم. گرچه حال خوبی نداشت اما بازهم او را هنرمند توانمندی دیدم که همچنان توانایی‌اش آشکار بود. او موقع خداحافظی حتی با تمام سختی‌ها به طبقه پایین آمد و به من گفت باز هم بیا و من هنوز خودم را نمی‌بخشم که نتوانستم دوباره به احمد سر بزنم.»

شریف لطفی، آهنگساز و مدرس موسیقی هم در این مراسم گفت:«آشنایی من با احمد پژمان به ۵۰ سال پیش بازمی‌گردد. او انسان دلپذیری بود و من افتخار رفاقت با این هنرمند را داشتم. احمد پژمان را باید در وجه انسانی و موسیقایی‌اش یافت.

یلدا ابتهاج نیز در ادامه مراسم عنوان کرد:«کمتر از یک ماه پیش برای سومین سالگرد درگذشت پدرم، شنیدم که استاد پژمان دار فانی را وداع گفتند، به همسرش گفتم اگر امکانی برای انتقال پیکر وی به ایران وجود دارد، آماده همکاری هستم و چقدر خوب که همسرش شیرین بانو نهایت همکاری را در این زمینه انجام داد.»او افزود:«ما کم شدیم و دیگر دل‌های ما برای موسیقی این سرزمین نمی‌تپد و این نشانه مهجوریت موسیقی و موزیسین‌های ماست. این مراسم از دید من کم (است) و شایسته است در جایی بهتر، فکرشده‌تر و با دل‌هایی که برای احمد پژمان می‌تپد، برنامه داشته باشیم.

احمد پژمان بزرگ موسیقی ماست و با شرافت آن را نگه داشت.»

ابتهاج توضیح داد:«اگر به موسیقی ارزش‌های بیشتری می‌دادیم، نیاز نبود احمد پژمان به آمریکا برود اما امروز خوشحالیم این اتفاق افتاده است. او با خلاقیتی مثال‌زدنی موسیقی ما را گسترش داد و شایسته است نه‌تنها امروز، بلکه در خانه‌های خودمان و به نسل جوان اینها را منتقل کنیم.»

شیرین بذله، همسر مرحوم احمد پژمان هم در بخش پایانی مراسم وداع گفت:«خیلی خوشحالم که به یاری همه دوستان آرزوی احمد پژمان را برآورده کرده و پیکر او را در ایران به خاک می‌سپارم. از کمک‌های بی‌دریغ همه دوستان قدردانی می‌کنم که بدون آنها چنین امری میسر نبود.»

> شیرین بذله، «همسر مرحوم احمد پژمان»:«خیلی خوشحالم که به یاری همه دوستان آرزوی احمد پژمان را برآورده کرده و پیکر او را در ایران به خاک می‌سپارم. از کمک‌های بی‌دریغ همه دوستان قدردانی می‌کنم که بدون آنها چنین امری میسر نبود

گزارش

نداسیجانی
روزنامه‌نگار

فرهاد فخرالدینی، محمدرضا درویشی و محمدرضا فیاض، در گفت‌وگو با «ایران» از احمد پژمان می‌گویند

بوی کافور؛ عطر بهارنارنج

«از زمانی که خود را شناختم به ایران و فرهنگ ایرانی خیلی علاقه داشتم. همان موقع شاهنامه را در ذهنم با موسیقی تجسم می‌کردم.» صاحب این سخن استاد احمد پژمان است. آهنگساز و موسیقی‌دان بزرگ ایران. نامی که به گفته دیگر بزرگان موسیقی کشورمان، انسانیت و اخلاق و عشق در آن خلاصه شده است. بزرگمردی که تاریخ موسیقی ایران به نام و هنرش می‌بالد. احمد پژمان متولد شیرازاست. (۱۸ تیر ۱۳۱۴) در آنجا که شعر و موسیقی با بوی بهارنارنج آمیخته است و بی تردید همین عطر و بو او را عاشق کرد و راه موسیقی را در پیش گرفت و توانست آثار بی‌شماری در قالب سمفونی، اپرا، باله، راپسودی، اوراتوریو، پوئم سمفونیک و دیگر شیوه‌ها با تأثیر از موتیف‌ها و تم‌های ایرانی خلق کند. جالب است بدانید با آنکه احمد پژمان نیمی از زندگی خود را خارج از ایران سپری کرده بود، اما همچنان عاشق سرزمینش بود و این عشق به موسیقی و ادبیات کشور در تمامی آثارش نمایان بود و با جان و دل از آن می‌نوشت و سخن می‌گفت. او در گفت‌وگویی بیان کرده:«دوست داشتم هر کار می‌کنم، ایرانی باشد. خودم را از ایران سوا نکنم بروم مثلاً اروپایی بشوم و آن‌گونه فکر کنم. ایران همیشه مسأله من بوده و هست. مهم این است که خودمان باشیم. دیدم آنها که از فرهنگ خودشان تغذیه می‌کنند تا چه حد در دنیا موفق هستند. آنها بتهوون و موتسارت نمی‌خواهند؛ کسی را می‌خواهند که حرف خودش را بزند. من موسیقی کلاسیک کار می‌کردم ولی عاشق موسیقی ایرانی بودم.» او مبدع اپرا به زبان فارسی بود و زمانی که برای افتتاحیه تالار رودکی (وحدت) به او سفارش داده می‌شود اپرایی به زبان فارسی می‌نویسد و بعد از آن متمرکز روی اپرا می‌شود. و این بخشی از آثار درخشان این هنرمند است.

موسیقیدانی صاحب‌نام و صاحب‌سبک

«در هنر کسانی موفق هستند که هم دانش و هم خلاقیت داشته باشند و پژمان یکی از این افراد است. خلاقیت او در ایجاد جملات موسیقی و استفاده از ظرایف و ریتم‌های خاص بی‌نظیر است.» این بخشی از صحبت‌های استاد **فرهاد فخرالدینی** در مراسم بزرگداشت استاد احمد پژمان بود که سال ۹۲ در تالار وحدت برگزار شد. استاد فخرالدینی در هر محفل و مجلسی از دوست و یار قدیمی‌اش احمد پژمان بسیار یاد می‌کرد و او را یکی از بهترین موسیقیدانان ایرانی می‌دانست. این موسیقیدان پیشکسوت در گفت‌وگو با «ایران»، داستان آشنایی خود با زنده‌یاد احمد پژمان را این گونه تعریف می‌کند: «سال ۱۳۴۰ با احمد پژمان آشنا شدم و این آشنایی از طریق تیمور پورتراب صورت گرفت و به تدریج تبدیل به دوستی شد. آن زمان در ارکستر شماره چهار اداره هنرهای زیبایی کشور با احمد پژمان همکاری می‌کردم. ارتباط صمیمانه‌ای بین ما شکل گرفت و آرام آرام به رفت و آمد خانوادگی کشیده شد و در کنار آن با خانواده و دوستان دیگر معاشرت‌های بسیاری داشتیم. البته به رادیو هم می‌آمد و در آنجا هم دیدارهای بسیاری داشتیم. تا آنکه سال ۱۳۵۶ همراه خانواده‌اش عازم آمریکا شد و بسیار اصرار داشت در این سفر من هم همراه خانواده‌ام همسفر او باشم، اما به دلایلی این فرصت پیش نیامد و نتوانستم با او همراه شوم.» این رهبر ارکستر «احمد پژمان» را موسیقیدانی صاحب نام و صاحب سبک خواند و در ادامه صحبت‌هایش گفت: «پژمان در زمینه موسیقی چه درون و چه در کلمبیای آمریکا بسیار خوب تحصیل کرد. البته باید بگویم اصولاً آدم بسیار خوش ذوقی بود و در زمینه‌های مختلف تجربیات گرانبهایی داشت؛ از اپرا و باله گرفته تا دیگر فرم‌های موسیقی مانند راپسودی و پوئم سمفونی و... نکته دیگر اینکه او عاشق سرزمینش بود و همین عشق و علاقه سبب شد به موسیقی محلی گرایش پیدا کند و در این زمینه تحقیقات بسیاری هم انجام داد. البته به موسیقی ردیف دستگاهی هم علاقه‌مند بود و برای آشنایی بیشتر با ریزه‌کاری‌های موسیقی ایرانی و ردیف‌های موسیقی به نوازندگی سه‌تار مشغول شد.»استاد فخرالدینی بیان کرد: «ساز اصلی پژمان، ویولن و ویولا بود اما همان طور که می‌دانید، در حرفه آهنگسازی، پیانو از سازهای اصلی است و حتماً باید در اختیار آهنگساز قرار گیرد و با آن کار کند و پژمان با این ساز هم آشنایی داشت. البته دیگر سازها را هم خوب می‌شناخت. به خاطر دارم ساز دهنی هم می‌نواخت و تدریس می‌کرد.»

فخرالدینی در ادامه صحبت‌هایش به شیوه آهنگسازی احمد پژمان اشاره و بیان کرد: «شیوه آهنگسازی پژمان بی‌نظیر بود. سبک و سیاقی متفاوت و منحصر به فرد. به خاطر دارم برای افتتاحیه تالار رودکی به پژمان سفارش تولید یک اثر را دادند و او اپرای جشن دهقان و اپرای دلاور سهند را نوشت و در این تالار اجرا شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت چرا که درآن برهه زمانی کاری نو و بدیع بود. درواقع باید بگویم پژمان در زمینه‌های مختلف همیشه پیشقدم و فعال بود و کار خودش را می‌کرد. رفتار متین او به گونه‌ای بود که کاری به کار دیگران نداشت و همین شاخصه اخلاقی، او را در بین دوستان و همکارانش دوست داشتنی‌تر کرده بود.»

خالق موسیقی ماندگار «سرب‌داران» به تولید موسیقی فیلم‌های زنده‌یاد احمد پژمان اشاره کرد و افزود: «پژمان در زمینه موسیقی فیلم و سریال هم دستی بر آتش داشت و هریک از کارهایش شاخص بود و بسیار خوب کار می‌کرد تا آنجا که موفق شد دو سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص دهد و باید گفت پژمان در هر زمینه کاری می‌درخشید. ناگفته نماند مدتی هم در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت داشت و در این کانون آثار خوبی خلق کرد.»

> پژمان در زمینه موسیقی فیلم و سریال هم دستی بر آتش داشت و هریک از کارهایش شاخص بود و بسیار خوب کار می‌کرد تا آنجا که موفق شد دو سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص دهد و باید گفت پژمان در هر زمینه کاری می‌درخشید. ناگفته نماند

انسانی زلال و پاک

محمدرضا درویشی، همچون احمد پژمان با عطر بهارنارنج شیراز به خوبی آشناست. هر دو زاده استان فارس هستند و درویشی از شهر لار. شاید هم همین مستی بوی بهارنارنج هر دو را عاشق موسیقی کرد و با نگاه متعصبانه، نگاهدار موسیقی کهن و بومی ایران زمین شدند.

اما جالب‌تر اینکه سال‌ها بعد یعنی سال ۱۳۵۳ و آن زمان که محمدرضا درویشی در کنکور دانشگاه تهران قبول شد، احمد پژمان یکی از استادانی بود که او را در مسیر تحصیلی‌اش هدایت کرد و از آن روزها تا به اکنون علاوه بر ارادت استاد- شاگردی سالیان سال رفیق گرمابه و گلستان شدند. شاید جالب باشد بدانید سال ۱۳۹۷ و در نهمین جشنواره موسیقی استان فارس، از استادان احمد پژمان و محمدرضا درویشی تجلیل و از سردیس این دو هنرمند و همشهری رونمایی شد و بار دیگر این حس در کنار هم بودن را یادآور شدند. محمد رضا درویشی درگفت‌وگو با «ایران» از آشنایی خود با زنده یاد احمد پژمان می‌گوید: «اولین مواجهه من با استاد پژمان روز کنکوردانشکده هنرهای زیبا بود. شهریورماه ۱۳۵۳ و امتحان عملی ساز. آن زمان استادان بزرگ وشناخته شده‌ای در دانشکده هنرتدریس می‌کردند؛ بزرگانی چون تقی مسعودیه، ملک اصلانیان، داریوش صفوت، پری برکشلی و...وزنه‌های سنگینی که با ترس و لرز درمحضرشان امتحان دادیم اما من درآن جمع بزرگ، به سبب اطلاعات اندکی که داشتم، کسی را نمی‌شناختم. ولی بعد از دریافت نمره قبولی و ورود به دانشکده با آقای پژمان آشنا شدم. آن زمان رئیس گروه موسیقی بود.»این آهنگساز درادامه صحبت هایش گفت: «استاد پژمان درطول سال، سفرهای بسیاری به آمریکا داشت و کمتر در ایران ایشان را می‌دیدم اما همان روزهایی هم که به ایران می‌آمد، تلاش می‌کردم از محضرشان بیشتر استفاده کنم وجالب اینکه آقای پژمان هم از پیگیری‌های من خوشش آمده بود و نکات خاصی را به من آموخت که دیگرشاگردان از آن بی‌بهره شدند، چراکه دنبالش نبودند که بدانند. بطور مثال «هارمونی پُلی مُدال.»

درویشی، استاد احمد پژمان را یکی از برجسته‌ترین آهنگسازان ایران عنوان و اظهار کرد: «احمد پژمان موسیقیدانی برجسته بود و اولین اپرا به زبان فارسی را ایشان نوشته‌اند.»او درباره آثار پژمان گفت: «شاید تعداد اندکی از کارهای ایشان را نشنیده باشم اما آنهایی که شنیده‌ام نشان از نگاه منحصر به فرد او به موسیقی است. او از هارمونی پلی مدالیته بهره گرفت و درواقع ابداع کننده این شیوه، ایشان بود. سبکی که آن زمان آهنگسازان بسیار انگشت شماری به سراغ آن رفتند شایدهم وجود نداشت. حتی استادان مرتضی حنانه و هوشنگ استوار هم به این سبک و شیوه کار نمی‌کردند.»محمدرضا درویشی به بعد اخلاقی احمد پژمان هم اشاره و بیان کرد: «آقای احمد پژمان علاوه بر نقش مؤثر و مهمی که در موسیقی ایران داشت، از شاخصه‌های اخلاقی منحصر به فردی هم برخوردار بود و آن انسانیت او بود. انسانی زلال و پاک که کمتر می‌توان در این روزگار جست‌وجو کرد. او تمام دانسته‌هایش را با طیب خاطر و بدون حسد و تنگ نظری در اختیار مشتاقان قرار می‌داد در حالی که ممکن است برخی از اساتید این کار را انجام ندهند. استاد احمد پژمان در کنار تواضعی که داشت، به اخلاق بسیار خوش هم آراسته بود وهیچ‌گاه لبخند از صورتش محو نمی‌شد و همین امر درونیات او را زیباتر کرده بود.»

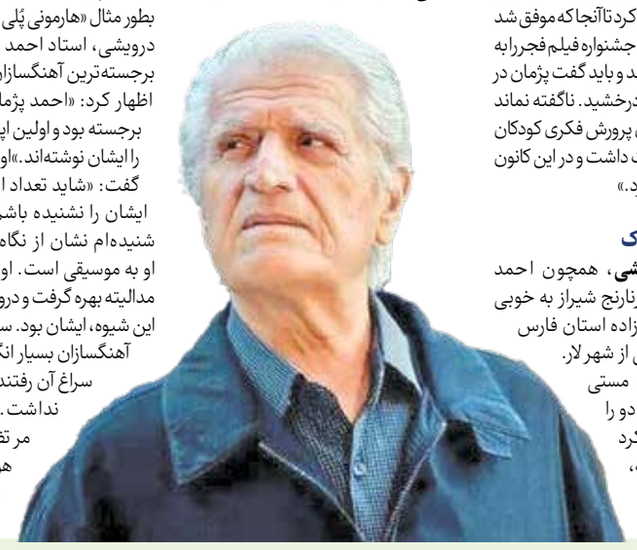

پرانرژی و خلاق

اسفند ماه ۱۴۰۲ مجموعه پارتیتور «عیاران» اثراستاداحمد پژمان که مشتمل بر پنج قطعه برای آنسامبل ایرانی است، با بازنویسی محمدرضا فیاض درقالب یک جلد کتاب منتشرشد؛ کاری به همت انجمن موسیقی ایران.«عیاران» در سال ۱۳۵۶ توسط احمد پژمان برای گروه سازهای ایرانی ساخته و با اجرای ارکستر سازهای ملی به سرپرستی فرامرز پایور ضبط شد. اما سال ۱۳۹۲ با توجه به از بین رفتن پارتیتور مجموعه، این اثر بر اساس نمونه صوتی باقی مانده به بازنویسی، ضبط واجرا رسید. **محمدرضا فیاض** درگفت‌وگو با «ایران» درباره آشنایی خود با استاد پژمان بیان کرد: «آشنایی من با استاد پژمان کاملاً اتفاقی بود. سال ۹۱ مراسم بزرگداشتی برای ایشان درتالار وحدت برگزار شد و بعد از آن نسخه‌ای صوتی از پارتیتور«عیاران»را برای من ارسال کردند تا آن را بازنویسی کنم و با دوستانی که همکار من بودند اجرا شود.

استاد پژمان از این ایده بسیاراستقبال کرد و از من خواست مابقی این پارتیتور را هم بنویسم. جالب است بدانید آن زمان من ۵۰ سال سن داشتم و آقای پژمان۷۸ سال و از همان زمان یک رابطه دوستانه و صمیمی‌بین ما شکل گرفت و تا همین اواخر هم با ایشان در تماس بودم.»

این نوازنده درادامه صحبت هایش به بازنویسی پارتیتور«عیاران»اشاره کردوگفت: «در زمان نوشتن پارتیتورهای «عیاران»، استاد پژمان، ایران نبودند و از روی یک نسخه صوتی آنها را نوشتم. حتی گاهی اوقات کار بسیار دشوار می‌شد، ولی هرچه که می‌نوشتم برای ایشان ایمیل می‌کردم تا قبل از ضبط، از سوی ایشان تأیید نهایی شود. قسمت پنجم این پارتیتور راکه نوشتم فکرکنم حدود ۴۵۰ میزان شد و برای استاد ارسال کردم و پاسخ دادند، فعلاً ضبطی انجام نشود واطلاع خواهند داد. حدود ۲ هفته، ایمیلی از ایشان نداشتم و بعد از این مدت زمان، نسخه‌ای ارسال کردند با ۷۵۰ میزان. بسیار تعجب آور بود که استاد در آستانه ۸۰ سالگی این میزان انرژی خلاقانه دارد؛ به گونه‌ای که در مدت دو هفته، ۳۰۰ میزان موسیقی را گسترش دهد. من از همان زمان به انرژی و خلاقیت جوشان استاد پی بردم و درس بزرگی برایم بود و از آن زمان به بعد «احمد پژمان» برایم معنای دیگری پیدا کرد.»فیاض درباره آثارزنده یاد احمد پژمان اظهارکرد: «کارهای ایشان را به‌صورت کلی شنیده بودم اما آنچه استاد احمد پژمان را خاص‌تر کرده بود وجود خود ایشان بود. خواننده یا مخاطب باشنیدن آلبوم یا اثر یک آهنگساز با یک لایه از وجود او آشنا می‌شود و می‌شناسد ولی وقتی در تماس شخصی قرار بگیرد، موسیقی‌های او برایش متفاوت خواهد شد و بطور یقین این وجه عمومی استاد پژمان برای من بسیار تأثیرگذار بود.»

این آهنگساز ومنتقد موسیقی درباره سبک وشیوه موسیقی احمد پژمان گفت: «تقریباً بسیاری از موسیقی‌های ایشان را شنیده‌ام اما درباره برخی از کارهای استاد پژمان می‌توانم با جزئیات سخن بگویم و اظهار نظرکنم.»مانند «عیاران» که نقش کوچکی درآن داشتم. جالب است بدانید آن زمان که ایران بودند، بعد از اتمام کار، بسیاری از اوقات پیاده در خیابان‌های شهر قدم می‌زدیم و نگاه و عشق عجیبی به پیرامون خود داشت و به آنچه در خیابان در جریان بود، نگاه متفاوتی داشت؛ دیدگاهی در زمینه ایران گرایی. ایران‌گرایی در ایشان بشدت جاری بود و تنها به یک نظریه و تئوری عجیب و غریب خلاصه نمی‌شد. ایران‌گرایی برای ایشان یک نظریه نبود، بلکه خود زندگی بود.»

> آن زمان که «احمد پژمان» ایران بودند، بعد از اتمام کار، بسیاری از اوقات پیاده در خیابان‌های شهر قدم می‌زدیم و نگاه و عشق عجیبی به پیرامون خود داشت و به آنچه در خیابان در جریان بود، نگاه متفاوتی داشت؛ دیدگاهی در زمینه ایران گرایی. ایران گرایی برای ایشان یک نظریه نبود، بلکه خود زندگی بود

محمدرضا فیاض بیان کرد: «موسیقی احمد پژمان روند طبیعی ایرانی بودن را روایت می‌کرد وعناصری که برای آفرینش موسیقی وپیشبرد روند لحظات به خدمت می‌گرفت، چیزی نبود که به او تحمیل شود. همه چیز از جمله سیر موسیقی دراین جریان، طبیعی بود و از نگاه من این نوع طبیعی جریان دادن سیرموسیقی همان مهر و امضای شخصی احمد پژمان است. یعنی نه بر مبنای پیش فرض‌ها، بلکه بر مبنای جریان یافتن طبیعی سیر موسیقی، موسیقی بیافریند.»

مروری بر موسیقی فیلم‌های احمد پژمان

«بوی کافورعطر یاس» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی بهمن فرمان‌آرا و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته ساخته سال ۱۳۷۸ خورشیدی است. این فیلم در سال ۱۳۷۹ روی پرده سینما رفت و موفق به دریافت ۸ سیمرغ بلورین از هجدهمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. یکی از این سیمرغ‌های بلورین برای موسیقی متن فیلم به احمد پژمان اهدا شد.

«شازده احتجاب» فیلم سینمایی ایرانی به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا و با بازی جمشید مشایخی و فخری خوروش است که برپایه رمان شازده احتجاب نوشته هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۵۳ ساخته شد. فرمان‌آرا آغاز دوستی و همکاری با پژمان را بعد از فیلمبرداری شازده احتجاب می‌داند که به واسطه دوستی مشترک آنها با احمدرضا احمدی، صفحه‌ای از او دریافت می‌کند که حاوی اشعاری از نیما یوشیج، صدای احمد شاملو و موسیقی پژمان بود و پس از شنیدن این اثر به شوق آمده تصمیم می‌گیرد موسیقی متن فیلم خود را به وی بسپارد.

او می‌گوید: «به در منزلش رفتم و وقتی به او گفتم که با او چه کار دارم گفت من بلد نیستم. اما من به او گفتم می‌دانم باید چه کار کنیم. در واقع او صاف و ساده و بدون حاشیه با من روبه‌رو شد. چیزی که در آهنگسازان جوان امروزی نیست.» «عشق گمشده» فیلمی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سعید اسدی و نویسندگی شهرام اسدی محصول سال ۱۳۷۶ است. برنده جایزه مشعل طلایی بهترین فیلم از هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم پیونگ یانگ-۱۳۷۹.
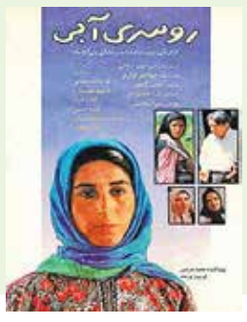
موسیقی این فیلم توسط احمد پژمان ساخته شده. «باران» فیلمی به کارگردانی مجید مجیدی محصول سال ۱۳۷۹ است. این فیلم مورد تحسین منتقدان و عموم قرار گرفت و جوایز متعددی را کسب کرد. این فیلم در همان سال جوایز بسیاری را از جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. علاوه برآن برنده جایزه بزرگ قاره آمریکا جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال ۲۰۰۱ شد. از نقاط برجسته فیلم، موسیقی آن ساخته احمد پژمان بود. «بید مجنون» نام فیلمی به کارگردانی مجید مجیدی است. بید مجنون که با نام‌های بازگشت و بار دیگر زندگی مراحل ساخت را طی کرد پس از فیلم‌های بدوک، پدر، بچه‌های آسمان، رنگ خدا و باران ششمین فیلم بلند مجید مجیدی است. در این فیلم هم مجیدی از همکاری احمد پژمان بهره می‌برد. «خانه‌ای روی آب» فیلمی به نویسندگی و کارگردانی بهمن فرمان‌آرا محصول سال ۱۳۸۰ است. در این فیلم رضا کیانیان، هدیه تهرانی، عزت‌الله انتظامی و جمشید مشایخی به ایفای نقش می‌پردازند. فرمان‌آرا که پیش از این نیز سابقه همکاری با احمد پژمان را داشته در «خانه‌ای روی آب» هم از او می‌خواهد تا برای فیلمش موسیقی بنویسد. «سایه‌های بلند باد» فیلمی از بهمن فرمان‌آرا است که براساس داستان «معصوم اول» هوشنگ گلشیری و با بازی فرامرز قریبیان، سعید نیک‌پور و حسین کسبیان سال ۱۳۵۷ در روستای هنجن ساخته شد و باز هم موسیقی آن مهر احمد پژمان را داشت «روسری آبی» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی رخشان بنی اعتماد و تهیه‌کنندگی مجید مدرسی محصول سال ۱۳۷۳ است. فیلم ایرانی «روسری آبی»، به عنوان برنده جایزه دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ثبت نشده در شهر ایسلانتیای اسپانیا معرفی شد. فیلمی زیبا و به یاد ماندنی که به موسیقی دلنواز احمد پژمان مزین شده است. «صنوبر» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی مجتبی راعی محصول سال ۱۳۸۰ است. این فیلم در پنج قسمت به صورت مجموعه تلویزیونی از شبکه اول ایران پخش شده است. این فیلم به زندگی سید روح‌الله خمینی(ره) و وقایعی که پس از انقلاب مشروطیت تا روی کار آمدن رژیم پهلوی و شروع جنگ جهانی اول اتفاق می‌افتد پرداخته است. مجتبی راعی نیز برای «صنوبر» از احمد پژمان دعوت کرد و موسیقی استاد بر تصاویر این فیلم نشست.